

عوامل و آثار عهدشکنی با خداوند در سوره آل عمران

منیره کلاهی شتربانی^۱

چکیده

عهدشکنی با خداوند یکی از مهم‌ترین موضوعات اخلاقی و دینی در قرآن کریم است که در سوره آل عمران به‌طور خاص به آن پرداخته شده است. این سوره به بررسی عوامل و آثار عهدشکنی می‌پردازد و به تأثیرات منفی آن بر زندگی فردی و اجتماعی اشاره می‌کند. عوامل عهدشکنی با خداوند شامل غفلت و التقاط در اعتقادات هستند. این عوامل موجب می‌شوند تا انسان‌ها از تعهدات خود نسبت به خداوند غافل شده و در مسیر حق گام برندارند. آثار عهدشکنی نیز در سوره آل عمران به‌وضوح مشخص است. از جمله این آثار می‌توان به بی‌تقوایی از دست رفتن اعتبار انسان نزد دوست و دشمن، مبتلا شدن به نفاق و دورویی، مورد نفرین خدا واقع شدن و خواری و بیچارگی اشاره کرد. عهدشکنی نه تنها بر روابط فرد با خداوند تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند به نزاع‌ها و اختلافات اجتماعی منجر شود. این پژوهش با استناد به آیات سوره آل عمران به تبیین دقیق عوامل و آثار عهدشکنی با خداوند می‌پردازد و بر اهمیت پایبندی به عهد و پیمان‌های الهی تأکید می‌کند. در نهایت، بازگشت به مسیر حق و تجدید عهد با خداوند می‌تواند به بهبود شرایط فردی و اجتماعی و تقویت ایمان منجر شود. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه‌ای تالیف شده است.

کلیدواژه: آثار، پیمان، سوره آل عمران، عهدشکنی.

^۱ طلبه سطح دو، غیر حضوری قم.

عهد و پیمان با خداوند یکی از اصول بنیادین دین اسلام و آموزه‌های قرآنی است که به‌عنوان یک تعهد اخلاقی و معنوی در زندگی انسان‌ها مطرح می‌شود. در قرآن کریم، به‌ویژه در سوره آل عمران، به این موضوع پرداخته شده و به اهمیت وفاداری به عهد‌ها و پیامدهای عهدشکنی اشاره شده است. این سوره به‌عنوان یک منبع غنی از آموزه‌های دینی، به بررسی ابعاد مختلف عهد و پیمان با خداوند و تأثیرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی پرداخته است. عهدشکنی با خداوند که به معنای نقض تعهدات و پیمان‌های الهی است، می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد. غفلت از یاد خدا و بی‌تقوای، از جمله این عوامل هستند که می‌توانند انسان را به سوی عهدشکنی سوق دهند. این پدیده نه تنها می‌تواند به کاهش ایمان و روحیه دینی فرد منجر شود، بلکه آثار منفی آن بر زندگی اجتماعی نیز مشهود است. اختلافات، تنش‌ها و بحران‌های اجتماعی از جمله پیامدهای عهدشکنی هستند که می‌تواند به تضعیف بنیان‌های جامعه منجر شود. سوره آل عمران، با تأکید بر این موضوعات، به ما می‌آموزد که چگونه باید به عهد‌ها و تعهدات خود با خداوند پایبند باشیم و از عوامل مؤثر در ایجاد عهدشکنی آگاه شویم. این پژوهش به بررسی دقیق عوامل و آثار عهدشکنی با خداوند در سوره آل عمران می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با تحلیل آیات این سوره، بر اهمیت وفاداری به عهد‌های الهی تأکید کند. در نهایت، هدف این پژوهش روشن کردن مسیر بازگشت به حق و تجدید عهد با خداوند و تأثیرات مثبت این عمل بر زندگی فردی و اجتماعی است. با توجه به اهمیت این موضوع در زندگی روزمره، توجه به آموزه‌های دینی و تلاش برای پایبندی به عهد‌ها، می‌تواند به بهبود شرایط فردی و جامعه کمک کند. مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به‌صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند از جمله در مقاله: تبیین جامعه شناختی تاثیر محرومیت اجتماعی بر عهدشکنی مردان و زنان (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)، مولف: سحر ابویسانی، ۱۳۹۹ پژوهش حاضر باهدف شناخت تاثیر محرومیت اجتماعی و ابعاد آن بر عهدشکنی زوجین در استان خراسان رضوی انجام شده است؛ و در مقاله: آسیب های میثاق و عوامل عهد شکنی، مولف: حمید محمد قاسمی

و دیگران، ۱۳۹۴ ن مقاله بررسی این موارد پرداخته و نمونه هایی از عهد شکنی در تاریخ همراه با علل آن پرداخته خواهد شد. هدف از مقاله حاضر، عوامل و آثار عهدشکنی با خداوند در سوره آل عمران پرداخته شده است. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالاتی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- عوامل عهدشکنی با خداوند در سوره آل عمران کدامند؟

۲- آثار عهدشکنی با خداوند در سوره آل عمران کدامند؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- عهد

عهد در معانی وصیت، امر (فرمان)، پیمان، سوگند، امان و غیر آن آمده است. (ابن منظور، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۴۷۹) چنان که در آیاتی متعدد در هیئتهای مختلف (ماضی، مضارع و اسم) به کار رفته است. در قرآن کریم وفای به عهد و پابندی به آن از صفات مؤمنان شمرده شده است. (آل عمران، ۱۸۳) و در اصطلاح به معنای عهد در اصطلاح عبارت است از التزام و پیمان بستن با خدا بر انجام دادن یا ترک کاری است. (بقره، ۲۷)

۲-۱- عهد شکنی

پیمان شکنی یا عهدشکنی به استناد آیه ۲۵ سوره رعد از گناهان کبیره و بدترین رذایل اخلاقی به شمار آمده است. (دستغیب، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۲۷) این مفهوم در نقطه مقابل وفای به عهد قرار دارد. عهدشکنی در قرآن به وسیله کلمات «نَقَضَ»، «نَبَذَ» و «نَكَثَ» توصیف شده است. (مکارم، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۵۸)

جمعی از پژوهشگران قرآن بر این باورند که عهد در حوزه اخلاقی، یعنی پیمانی که خداوند در آغاز آفرینش از همه انسان‌ها گرفته است. همچنین از نظر فقهی، این واژه به معنای پیمانی است که بنده با پروردگار خود برای انجام یا ترک عملی تنظیم می‌کند. (خرمشاهی، ۱۳۹۴ ش، ج ۲، ص ۱۴۹۹)

۲- ضرورت عهد و پیمان

یکی از بدیهی‌ترین ارزش‌های اجتماعی، پایبندی به تعهدات است. اعتماد متقابل افراد جامعه، از سرمایه‌های مهم زندگی جمعی به شمار می‌رود و پیمان شکنی، گناهی است که رشته اطمینان و اعتماد عمومی را پاره نموده، زیربنای روابط اجتماعی را سست می‌کند. قرآن کریم یکی از اوصاف ابرار و نیکان را وفای به عهد می‌داند؛ «وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره، ۱۷۷)؛ «کسانی که به عهد خود، هنگامی که عهد بستند، وفا می‌نمایند.»

همچنین، از ویژگی‌های مؤمنان رستگار، رعایت امانت و عهد است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون، ۸)؛ «و آنان که امانت‌ها و عهد خویش را رعایت می‌کنند.»

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهَا» (طبرسی، ۱۳۹۳ ش، ص ۴۶؛ مکارم، ۱۳۸۲ ش ج ۳، ص ۲۵۴)؛ «کسی که به عهد و پیمان خود پایبند نیست، دین ندارد.» این تعبیر، نشان می‌دهد دست کم یکی از ارکان مهم دین، وفای به عهد است. بنابراین از اوصاف مشهور کوفیان، پیمان شکنی بود. حدود هیجده هزار نفر از آنها با حضرت مسلم (علیه‌السلام) بیعت و اعلام وفاداری کردند؛ اما در نهایت، حضرت را تنها گذاشتند. (گروه مؤلفان، ۱۳۹۱ ش، ج ۵، ص ۲۲۵)

امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا کوفیان را به سبب نقض بیعت و پیمان شکنی نکوهش کرده، می‌فرماید: «تَبَّ لَكُمْ أَيَّتُهَا الْجَمَاعَةُ وَتَرَحَّا! حِينَ اسْتَصْرَخْتُمُونَا وَالْهَيْنَ، فَأَصْرَخْنَاكُمْ مُوجِفِينَ؛ سَلَلْتُمْ عَلَيْنَا سَيْفًا لَنَا فِي أَيْمَانِكُمْ! وَحَشَشْتُمْ عَلَيْنَا نَارًا اقْتَدَحْنَاهَا عَلَى عَدُوِّنَا وَعَدُوِّكُمْ!... أَجَلُ وَاللَّهِ! الْخَذَلُ فِيكُمْ مَعْرُوفٌ، وَشَجَّتْ عَلَيْهِ عُرُوقُكُمْ، وَتَوَارَتْ عَلَيْهِ أَصُولُكُمْ وَفُرُوعُكُمْ، وَنَبَتَتْ عَلَيْهِ قُلُوبُكُمْ، وَغَشِيَتْ بِهِ صُدُورُكُمْ فَكُنْتُمْ أَخْبَثَ ثَمَرَةٍ شَجَى لِلنَّاسِ وَأَكْلَهُ لِلْغَاصِبِ» (مجلسی، ۱۳۸۶ ش ج ۴۵، ص ۸)؛ «ای مردم، ننگ و خواری و حسرت بر شما که با اشتیاق ما را به سوی خود خواندید و هنگامی که درخواستان را

اجابت کردیم و به سوی شما آمدیم، شمشیرهای خویش را به روی ما کشیدید... چرا عهد و پیمان خود را شکستید؟ آری، به خدا سوگند که این پیمان شکنی، عادت دیرینه شماست که رگ و ریشه تان بر آن استوار شده، تنه و شاخه شما آن را به ارث برده، دل هایتان با این عادت نکوهیده رشد نموده و سینه هایتان با آن مملو گردیده است. به آن میوه نامبارک شبیه هستید که در گلوی باغبان رنج دیده اش گیر کند و در کام غاصب ستمگر، شیرین و گوارا باشد.» برخلاف کوفیان بی وفا، یاران و اصحاب امام (علیه السلام) تا آخرین لحظه بر سر پیمان خود ماندند و جان خویش را عاشقانه فدای حضرت کردند. امام (علیه السلام) در شب عاشورا درباره یاران خود فرمود: «همانا من یارانی باوفا تر به عهد خویش از یاران خود سراغ ندارم و بهتر از ایشان نمی شناسم.» (ابن نما، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۲) یاران امام در شب عاشورا با سخنانی استوار، وفاداری خود را اعلام کردند؛ چنانکه سعد بن عبدالله گفت: «به خدا سوگند! ما دست از یاری تو بر نمی داریم تا در پیشگاه خداوند ثابت کنیم که حق پیامبر را درباره تو مراعات نمودیم. به خدا سوگند! اگر بدانم که هفتاد مرتبه کشته می شوم و بدنم را آتش زده و خاکسترم را زنده می کنند، باز هم هرگز دست از یاری تو بر نمی دارم و پس از هر بار زنده شدن، به یاریت می شتابم؛ در صورتی که می دانم این مرگ، یک بار بیش نیست و پس از آن، نعمت بی پایان خدا است.» (ابن نما، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۲)

۳- عوامل عهد شکنی با خدا

عهد شکنی با خداوند به معنای نقض تعهدات و پیمان هایی است که انسان نسبت به خالق خود دارد و می تواند به پیامدهای منفی جدی منجر شود. مهم ترین عوامل عهد شکنی با خداوند عبارتند از:

۳-۱- غفلت

غفلت انسان از فرجام اعمال خود، عامل نقض عهد با خداوند: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَوْنَ ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ

إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَوْمُنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۸۴-۸۵)؛ «و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید؛ و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما پذیرفتید؛ و بر این پیمان گواه بودید؛ و شما آنهایی هستید که یکدیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید؛ و در این گناه و تجاوز، از یکدیگر پشتیبانی می کنید؛ و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته اید در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة آنان را می دهید و آزادشان می کنید؛ با این که بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب خدا ایمان می آورید و به بعضی کافر می شوید؟! کیفر کسی از شما که این عمل تبعیض در میان احکام و قوانین الهی را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می شوند؛ و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست.»

۳-۲- التقاط در اعتقادات

در سوره مبارکه آل عمران در آیه ۷۷ قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران، ۷۷) «کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود به نام مقدس او را به بهای ناچیزی می فروشند، آن ها بهره ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن ها سخن نمی گوید و به آنان در قیامت نمی نگرد و آن ها را از گناه پاک نمی سازد؛ و عذاب دردناکی برای آن هاست.» آیه شریفه مفهومی وسیع دارد و می تواند هر نوع عهد شکنی را شامل شود؛ عهد شکنی های بزرگ، مثل مخالفت و دشمنی با آیات الهی و دین اسلام و پیامبر و یا عهد شکنی های کوچک مثل انجام گناهان کوچک؛ البته جریمه این دو، یکی نیست و هر کدام به حسب خود، محاسبه می شوند ولی در نفس عهد شکنی، هر دو، عهد شکنی محسوب می شوند.

از طرفی تصور نشود به محض گناه یا لغزشی، این جریمه ها برای انسان حتمی است؛ خیر، چنین نیست چون فرصت و امکان اصلاح و جبران فراهم است و با توبه و بازگشت به خداوند متعال، می توان آن

گناه و لغزش را پاک کرد؛ بنابراین آیه شریفه ناظر به کسانی است که تا آخر عمر، هیچگاه در صدد جبران و توبه بر نمی آیند و با همان حال عهد شکنی و نافرمانی، از این دنیا می روند. عهد و قراری که یک مؤمن با خودش می گذارد برای پاک بودن و برای بندگی صحیح؛ تلاشی مقدس و پاک است و جنسش با این عهد شکنی که آیه شریفه می گوید، تفاوت دارد؛ لذا تصور نشود اگر در مسیر بندگی و تهذیب نفس، عهد کردیم گناه نکند و یا فلان کار مکروه را انجام ندهد، اگر لغزشی به وجود آمد، دچار عذاب شدید می شود؛ این گونه نیست؛ بلکه این تلاش برای پاک بودن، تلاشی مقدس و ارزشمند است، هم راه توبه و جبران خطا و لغزش فراهم است و هم خداوند متعال لطفش بسیار است و نسبت به بندگان مؤمنش، رؤوف و رحیم است. (مکارم، ۱۳۸۲ ش، ج ۳، ص ۷۶۶)

۳-۲- بی تقوایی

یکی از عوامل عهد شکنی با خداوند تقوا نداشتن است. قرآن کریم می فرماید: «بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران: ۷۶-۷۷)؛ «کسی که به عهدش وفا کند و خود را از شکستن پیمان و خیانت نگهداشته در دین تقوا داشته باشد جز این نیست که خداوند صاحبان تقوا را دوست می دارد پس محبت و کرامت خداوند بسته به وفای به عهد و تقوا در دین است به درستی که کسانی که عهد خدائی و سوگندهای خود را در برابر قیمت ناچیزی از دست می دهند کرامتی ندارند و در قیامت نصیب و بهره ای برایشان نیست و در آن روز خدا با ایشان سخن نمی گوید و نظر رحمت نمی افکند و پاکشان نفرموده برایشان عذاب دردناکی است.»

ابن جریر می گوید: آیه درباره اشعث بن قیس نازل شده که زمینی را بدست آورده بود صاحب اصلی زمین به دعوی برخاست و شکایت نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برد اشعث سوگند یاد کرد که زمین مال خودش است سپس این آیه نازل گردید و اشعث از سوگند خود برگشت و اعتراف به حق نمود و زمین را به صاحب اصلی آن رد کرد. (قرائتی، تفسیر نور، محسن قرائتی، ص ۷۸) بنابراین این آیه، کسانی را که پیمان شکنی می کنند، به پنج نوع قهر الهی تهدید می کند: بی بهرگی و خسارت در آخرت،

محرومیت از توجه خداوند، محرومیت از نظر لطف الهی، محرومیت از پاکی از گناه و گرفتاری به عذاب دردناک.

۴- آثار عهدشکنی با خدا

عهدشکنی با خدا به معنای نقض پیمانی است که انسان با خداوند بسته است. این عهد می‌تواند به صورت‌های مختلفی بروز کند که در ادامه به آثار عهدشکنی با خداوند پرداخته می‌شود.

۴-۱- از دست رفتن اعتبار/انسان

زشتی و پلیدی عهد و پیمان شکنی، امری عقلانی است که اختصاصی به دین و مذهب خاصی ندارد و مورد اتفاق همه عقلای عالم است. بزرگ‌ترین پیمان انسان، با خدای خویش در روز الست است و کسی که به عهد و پیمان‌های خود با خدا پایبند نباشد؛ هم در نزد دوستان و هم در نزد دشمنان به عنوان یک شخص متزلزل و غیر قابل اعتماد تلقی می‌گردد. در این صورت حتی دشمنان هم در روابط خود با او احتیاط کرده و می‌گویند: این شخصی که به خدای خود و در مذهب و دین خود، خیانت کرده، چگونه به ما وفادار خواهد ماند؟ بنابراین، هرگز به او اعتماد نمی‌کند؛ اگرچه ممکن است جهت استفاده ابزاری از او، وعده‌های پوشالی به پیمان شکن، بدهند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوَدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بَعْدَهُ» (آمدی، ۱۳۸۹ ش، ص ۴۱۸)؛ «بر دوستی کسی که به عهد و پیمان خود وفا نمی‌کند، اعتماد مکن»

اکنون در جامعه ما نیز این گونه است، نسبت به کسانی که اهل رعایت حلال و حرام الهی هستند و کمتر پیمان شکنی می‌کنند، اعتماد بیشتری است و نسبت به افراد بی‌دین و غیر متدین اعتماد کمتر می‌باشد. مقام معظم رهبری مکرراً در سخنرانی‌های خود، به دولت تأکید می‌کنند که در مذاکرات هسته‌ای به آمریکایی‌های که سابقه پیمان شکنی داشته‌اند، جای اعتماد و تکیه نیست. نقل شده یکی از پادشاهان را پیشامد دشواری روی داد و با خدا عهد کرد که اگر کار من به نیکی پایان پذیرد هر چه پول موجودی در خزینه داشتم، به مستمندان و بینوایان می‌دهم. خداوند به زودی خواسته او را برآورد. پادشاه

تصمیم گرفت به پیمان خود وفا کند. خزینه دار را خواست. دستور داد موجودی را حساب کند. بعد از بررسی معلوم شد مقدار زیادی پول موجود است. وزیران او گفتند: این همه مال را به مستمندان نمی توان پرداخت؛ زیرا مملکت از نظر مالی آشفته خواهد شد و اداره لشکر احتیاج به این پول دارد. شاه گفت من عهد کرده‌ام و عهد شکنی نمی کنم. گفتند بنابر نظر علماء بزرگ و ظاهر آیه «وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» لشگریانی که خراج جمع می کنند، خود از مستحقین می باشند و باید بخشی را به آن‌ها بدهید. پادشاه از این سخن در اندیشه شد، پیوسته برای آشکار شدن تکلیف خود فکر می کرد. روزی کنار غرفه ای نشسته بود، ژولیده ای شبیه دیوانگان از راه می گذشت. پادشاه او را خواست و جریان پیمان را با او در میان گذاشت. او گفت اگر شهریار در موقع انعقاد پیمان سپاهیان را از خاطر گذرانده باشند، پس باید بخشی از اموال را به آن‌ها بدهد و بقیه را میان فقرا تقسیم کند و الا به آن‌ها نمی توان داد. شاه گفت: هنگام عهد فقط به یاد مستمندان و بیچارگان بودم. سپس ژولیده روی به شاه کرد و گفت: اگر دیگر با آن کسی که پیمان بسته ای، کاری نداری، پس به عهد پیشین خود وفا نکن، ولی چنانچه به او احتیاج داری، به عهد خویش وفا کن. پادشاه از این جمله، چنان تحت تأثیر واقع شد که اشک از دیدگان فرو ریخت و همان دم دستور داد اموال را بین فقرا تقسیم کنند. (امیدوار، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۵)

۴-۲- مبتلا شدن به نفاق و دورویی

یکی از آفت‌ها و خطرهای اجتماعی که ممکن است، جامعه را به ویرانی و تباهی بکشد و پایه‌های وحدت اجتماعی را متزلزل سازد، «نفاق و دورویی» است. در قرآن و روایات نسبت به این پدیده شوم اجتماعی هشدارهای جدی داده شده است. در قرآن برای کسی که با خدا عهد کرد که اگر خدا اموالی در اختیار او قرار دهد و وسعتی به زندگی او بدهد، حتماً انفاق می کند؛ ولی بعد از بهره مندی از اموال دنیایی، عهد و پیمان خود را می شکند و انفاقی نمی کنند، عاقبت آن را مبتلا به نفاق و دورویی برشمرده است. «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِی قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (توبه، ۷۵)؛ «بعضی از آن‌ها با خدا پیمان بسته بودند که اگر خداوند ما را از فضل خود

روزی دهد، قطعاً صدقه خواهیم داد و از صالحان و شاکران خواهیم بود؛ اما هنگامی که خدا از فضل خود به آن‌ها بخشید، بخل ورزیدند و سرپیچی کردند و روی برتافتند. این عمل، نفاق را تا روزی که خدا را ملاقات کنند، در دل هایشان برقرار ساخت. این به خاطر آن است که از پیمان الهی تخلف جستند و به خاطر آن است که دروغ می‌گفتند.»

۴-۳- مورد نقرین خدا واقع شدن

عهد و بیعت با خداوند، در حقیقت، تعهد بر اطاعت جهت تقرب به خداوند است؛ بنابراین کسی که عهد خود با خدا را بشکند، در حقیقت، حرکت خود به سوی خداوند را متوقف نموده و بلکه در مسیر خلاف قرب خداوند قرار گرفته است و این عیناً لعنت و دوری از رحمت خداوند است؛ در آیه ای از قرآن نیز به این امر اشاره شده است:

«وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد، ۲۵)؛ «آن‌ها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آن‌هاست و بدی و مجازات سرای آخرت.» در سوره مائده نیز خداوند مهربان بنی اسرائیل را که به پیمانشان در خواندن نماز، دادن زکات، یاری و ایمان به پیامبران، عمل نکردند، مورد لعنت خود قرار داده و می‌فرماید: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (مائده، ۱۳)؛ «ولی به خاطر پیمان شکنی، آن‌ها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم.»

۴-۴- خواری و بیچارگی

حضرت زینب (علیها السلام) در ادامه خطبه برای این که عمق فاجعه ای که کوفیان با عهدشکنی و تنها گذاشتن امام حسین (علیه السلام) به بار آوردند و عواقب دنیایی و اخروی این عمل را به آن‌ها گوشزد کند، می‌فرماید: «وَأَنِّي تَرَحُّصُونَ قِتْلَ سَلِيلِ خَاتِمِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَسَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَمَلَاذُ حَرْبِكُمْ وَمَعَادُ حَزْبِكُمْ وَمَقَرُّ سَلَمِكُمْ وَآسَى كَلِمِكُمْ وَمَفْزَعُ نَازِلَتِكُمْ وَالْمَرْجِعُ إِلَيْهِ عِنْدَ مُقَاتَلَتِكُمْ - وَمَدْرَةُ

حُجَجِكُمْ وَمَنَارٌ مَّحَجَّتْكُمْ أَلَا سَاءَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ وَسَاءَ مَا تَزِرُونَ لِيَوْمٍ بَعَثْنَا نَعْسًا وَنَكْسًا نَكْسًا لَقَدْ خَابَ السَّعْيُ وَتَبَّتِ الْأَيْدِي وَخَسِرَتِ الصَّفَقَةُ وَبُؤْتُمْ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ * وَضُرِبَتْ عَلَيْكُمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ» (مجلسی، ۱۳۸۶ ش، ج ۳، ص ۹۸۵)؛ «و چگونه می‌توانید ننگ حاصل از کشتن فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم پیامبران (علیهم السلام)، معدن رسالت و سرور جوانان اهل بهشت را از دامن خود بزدايید؟ کسی که پناه مؤمنان شما، فریادرس در بلایای شما، مشعل فروزان استدلال شما بر حق و حقیقت و یاور شما در هنگام قحطی و خشکسالی بود. چه بار سنگین و بدی بر دوش خود نهادید! پس رحمت خدایی از شما دور و دورتر باد! که تلاشتان بیهوده، دستانتان بریده، معامله تان قرین زیان گردیده است. خود را به خشم خدا گرفتار نموده و به این ترتیب خواری و درماندگی بر شما لازم آمده است.»

حضرت زینب (علیها السلام) با اقتباس به آیه ۶۱ سوره بقره سرانجام این عهدشکنی کوفیان را چنین بیان می‌فرماید: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ذَالِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَالِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره، ۶۱)؛ «مقرر شد بر آن‌ها خواری و بیچارگی و با خشم خدا قرین شدند؛ و این بدان سبب بود که به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و نافرمانی کردند و تجاوز ورزیدند.»

خداوند در قرآن کریم به سرگذشت و عاقبت بنی اسرائیل این گونه اشاره می‌فرماید: «مهر ذلت و فقر را بر پیشانی آن‌ها زد و بار دیگر به غضب الهی گرفتار شدند. این به خاطر آن بود که آن‌ها آیات الهی را انکار می‌کردند و پیامبران را بنا حق می‌کشتند و این به خاطر آن بود که آن‌ها گناه می‌کردند و تعدی و تجاوز داشتند.» (آل عمران، ۱۱۲)

از آیه فوق استفاده می‌شود که آن‌ها به دو جهت گرفتار خواری و ذلت شدند: یکی برای کفر و سرپیچی از دستورات خدا و انحراف از توحید به سوی شرک؛ دیگر این که مردان حق و فرستادگان خدا را می‌کشتند. این سنگ دلی و قساوت و بی‌اعتنایی به قوانین الهی، بلکه تمام قوانین انسانی که حتی امروز نیز به روشنی در میان گروهی از یهود ادامه دارد، مایه آن ذلت و بدبختی شد. (مکارم، ۱۳۸۲ ش، ج ۱،

ص ۲۴) بعضی از مفسران برداشت متفاوتی نسبت دادن قتل انبیاء (علیهم السلام) به قوم یهود از این آیه دارند. از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ» در تفسیر عیاشی در ذیل جمله: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ، وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ الْحَقِّ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا» آن حضرت قرائت کرد و سپس می فرماید: «به خدا سوگند انبیاء (علیهم السلام) را با دست خود نزدند و با شمشیرهای خود نکشتند»: «ولكن يَعْتَدُونَ» سخنان ایشان را شنیدند و در نزد نااهلان آن را فاش کردند. در نتیجه دشمن ایشان را گرفت و کشت؛ پس مردم کاری کردند که انبیاء (علیهم السلام) هم کشته شدند و هم تجاوز شدند و هم گرفتار مصائب گشتند. (عیاشی، ۱۳۹۵ ش، ج ۲، ص ۷۸۳)

در کافی نظیر این روایت آمده و شاید امام (علیه السلام) این معنا را از جمله استفاده کرده، چون معنا ندارد قتل و مخصوصاً قتل انبیاء (علیهم السلام) و کفر به آیات خدا را به معصیت تعلیل کند؛ بلکه امر به عکس است، چون شدت و اهمیت از این طرف است. ولكن عصیان به معنای نپوشیدن اسرار و حفظ نکردن آن، می تواند علت کشتن انبیاء (علیهم السلام) واقع شود و این را با آن تعلیل کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۳ ش، ج ۱۶، ص ۲۹) در این قسمت خطبه حضرت زینب (علیها السلام) با استناد به این آیه قرآن در صدد القای این مطلب به کوفیان هستند که عذاب الهی و خواری دنیا و آخرت در انتظار شماست؛ چراکه فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را با بد عهدی کشتید و به او خیانت نمودید. این از سنت های الهی است که مکافات عمل در انتظار عهدشکنان است.

نتیجه گیری

در نهایت، عهدشکنی با خداوند یک معضل جدی است که نه تنها بر روابط فرد با خداوند تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند به تبعات اجتماعی و اخلاقی گسترده‌ای منجر شود. عوامل متعددی مانند غفلت، التقاط در اعتقادات و بی‌تقوایی می‌تواند فرد را به سمت عهدشکنی سوق دهند. آثار این پدیده شامل از دست رفتن اعتبار انسان نزد دوست و دشمن، مبتلا شدن به نفاق و دورویی، مورد نفرین خدا واقع شدن و خواری و بیچارگی است که می‌تواند بر کیفیت زندگی فرد و جامعه تأثیر بگذارد؛ بنابراین، توجه به عهد و پیمان‌های الهی و تلاش برای پایبندی به آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بازگشت به مسیر حق و تجدید عهد با خداوند نه تنها می‌تواند به بهبود شرایط فردی و اجتماعی کمک کند، بلکه به تقویت ایمان و ایجاد فضایی سالم در جامعه منجر خواهد شد. از این رو، لازم است تا با تأمل در آموزه‌های سوره آل عمران و دیگر آیات قرآن، به اهمیت وفاداری به عهدها و پیمان‌ها توجه کرده و تلاش کنیم تا در زندگی روزمره خود به این اصول پایبند باشیم.

سوره آل عمران، با تأکید بر این موضوعات، به ما می‌آموزد که چگونه باید به عهدها و تعهدات خود با خداوند پایبند باشیم و از عوامل مؤثر در ایجاد عهدشکنی آگاه شویم. این پژوهش به بررسی دقیق عوامل و آثار عهدشکنی با خداوند در سوره آل عمران می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با تحلیل آیات این سوره، بر اهمیت وفاداری به عهدهای الهی تأکید کند. در نهایت، هدف این پژوهش روشن کردن مسیر بازگشت به حق و تجدید عهد با خداوند و تأثیرات مثبت این عمل بر زندگی فردی و اجتماعی است. با توجه به اهمیت این موضوع در زندگی روزمره، توجه به آموزه‌های دینی و تلاش برای پایبندی به عهدها، می‌تواند به بهبود شرایط فردی و جامعه کمک کند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱-آمدی، ع، ۱۳۸۹ ش، «غررالحکم و درر الکلم»، قم: امام عصر.
- ۲-ابن منظور، م، ۱۳۶۰، بیروت، نشر: دارصادر.
- ۳-ابن نما، ن، ۱۳۸۵ ش، «مثیر الاحزان»، قم: امام مهدی (عج).
- ۴-امیدوار، ح، ۱۳۸۸ ش، «وفای به عهد و پیمان چرا؟»، تهران: رها.
- ۵-ابن فارس، ا، ۱۳۸۷ ش، «مقایس اللغة»، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۶-بستانی، ۱۳۷۶ ش، «فرهنگ ابجدی»، ترجمه: فوادفرام بستانی، نشر: اسلامی.
- ۷-جوهری، ا، ۱۳۶۹ ش، «الصحاح»، تهران: امیری.
- ۸-خرمشاهی، ۱۳۹۴ ش، «دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی»، جلد دوم، تهران: امیر کبیر.
- ۹-دستغیب، ع، ۱۳۸۹ ش، «گناهان کبیره»، تهران: هاتف.
- ۱۰-طباطبایی، م، ۱۳۷۳ ش، «تفسیر المیزان»، تهران: دارالکتب اسلامی.
- ۱۱-طبرسی، ع، ۱۳۹۳ ش، «مشکاه الانوار»، تهران: دارالثقلین.
- ۱۲-عیاشی، م، ۱۳۹۵ ش، «تفسیر عیاشی»، تهران: ذوی القربی.
- ۱۳-قرائتی، م، ۱۳۸۸ ش، «تفسیر نور»، تهران: اندیشه.
- ۱۴-گروه مؤلفان، ۱۳۹۱ ش، «پیشوایان هدایت»، جلد پنجم، تهران: روزنه.
- ۱۵-مجلسی، م، ۱۳۸۶ ش، «بحارالانوار»، تهران: اسلامی.

۱۶- مکارم، ن، ۱۳۸۲ ش، «تفسیر نمونه»، تهران: اسلامیه.

۱۷- مکارم، ن، ۱۳۸۴ ش، «اخلاق در قرآن»، تهران: اندیشه.

کتب عربی

۱- ابن منظور، م، ۱۴۰۸ ق، «لسان العرب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲- طبرسی، ف، ۱۳۹۰، «مجمع البیان»، ج ۶، قم، نشر: بیان جوان.

۳- متقی هندی، ح، ۱۴۰۹ ق، «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال»، ج ۱۶، بیروت، ناشر: موسسه الرساله.